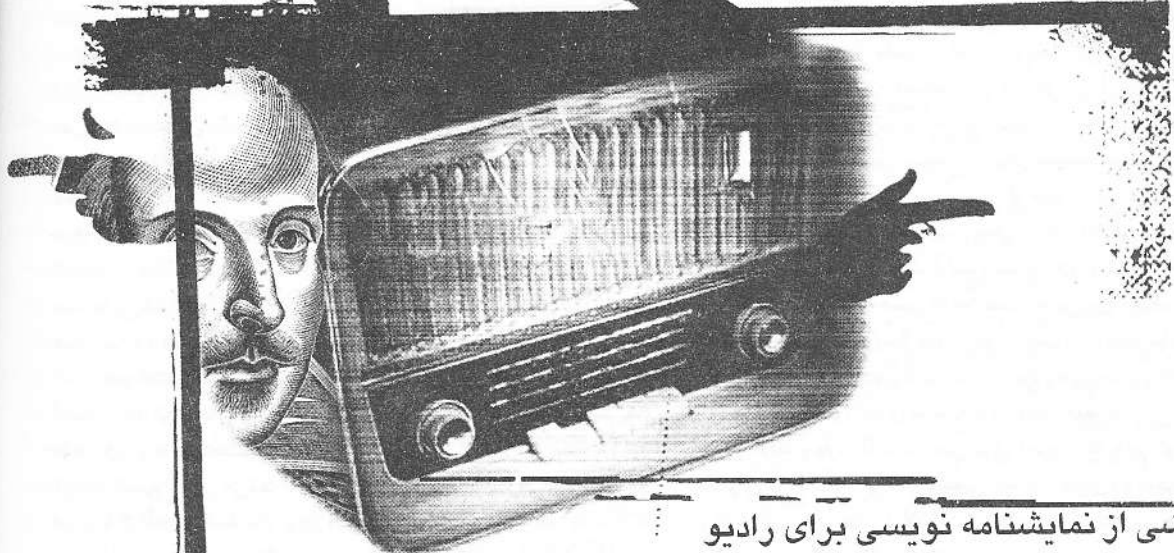


## صدای قلم شکسپیر



### گزارشی از نمایشنامه نویسی برای رادیو

#### گزارش: سام فرزانه

نمایش نامه رادیویی و نمایش نامه صحنه‌ای

نمایش رادیویی هرچند در اسم و در شکل قرار است گونه‌ای خاص از نمایش باشد، اما در واقع همان اصول و قواعد تئاتر را دارد.

ایوب آقاخانن نمایش‌نامه‌نویس صحنه و رادیو درباره تفاوت کار صحنه‌ای و رادیویی می‌گوید: «اگر درام رادیویی، تئاتر و سینما را سه نقطه یک محور در نظر بگیریم، درام رادیویی به لحاظ شکل و استفاده از دست‌افزارهای پرورش درام در میان درام سینما و تئاتر قرار دارد.»

او عقیده دارد که پرورش خط داستانی در هر سه نوع این درام‌ها به اصولی معلوم و مشخص نیاز دارد که از زمان ارسطو تا به حال همچنان پابرجا هستند: «آنچه در میان این سه نوع درام با هم تفاوت دارد نحوه مواجهه با مخاطب است و دست‌افزارهایی که هر کدام از این اشکال درام را به دست می‌گیرند.»

آقاخانن درباره نظریه سه نقطه درام رادیویی، سینما و رادیو توضیح بیشتری می‌دهد: «در سینما محدودیت وجود ندارد چه به لحاظ مکان و چه تعداد کاراکترها و در نقطه مقابل تئاتر با تعداد کم‌تر لوکیشن و آدم‌ها است که جذابیت دارد. رادیو در نقطه میان این دو است. به نسبت تئاتر تعدد مکان و شخصیت بیش‌تری دارد و در مقایسه با سینما کم‌تر.»

برای همین از نظر او جابه‌جایی صحنه‌ها در تئاتر، علی‌رغم داشتن تصویر، به مراتب سخت‌تر از رادیو است: «مخاطب تئاتر نمی‌تواند منتظر بماند تا در نمایش صحنه‌ای، صحنه تعویض شود؛ اما در رادیو و سینما این اتفاق را به راحتی می‌پذیرد.»

اگر این نظر را قبول کنیم تعدد مکان در تئاتر آفت یک نمایش است و برعکس در درام رادیویی «باجی» است که باعث ایجاد تنوعی می‌شود که نوع اعلامی آن در سینما وجود دارد.

او هر مکانی در درام را دارای تعدادی «سرجه‌ازی» می‌داند که سبب بالا رفتن تعداد شخصیت‌ها می‌شود: «در تئاتر تا آن‌جا که می‌شود باید کاراکترها محدود

دستگاه پخش صدا آماده می‌شود. گوینده دیگر چیزی نمی‌گوید. قرار است صدای یکی از شنونده‌های رادیو را بشنویم. مردی میان‌سال می‌نماید. صدایش می‌لرزد: «خوشحالم که صدای شما از رادیو پخش می‌شود. ای کاش از آن‌ها که سال‌ها قبل در نمایش‌نامه‌های رادیویی کار می‌کردند و ما با صداهای آن‌ها زندگی می‌کردیم دعوت کنید به رادیو بیایند تا ما باز هم صدای آن‌ها را بشنویم.»

طنین صدای قصه شب که می‌پیچید همه ساکت می‌شدند. خیابان‌ها خلوت می‌شد و عجلتاً حرف‌ها قطع می‌شد. روزی روزگاری نمایش رادیویی برای خود کیا و بیایی داشت؛ اما امروز از آن خبری نیست. آن زمان رسانه‌های دیگر سلطه آن چنانی نداشتند و رادیو می‌توانست با بضاعتی اندک یکه‌تاز این میدان شود. از سوی دیگر اقبال به رادیو هنرمندان بزرگ را به سوی این رسانه سوق می‌داد. امروز که تعداد تلویزیون‌ها هر روز بیش از روز قبل می‌شود و سینما و تئاتر بیش از پیش فراگیر شده‌اند و اینترنت در زندگی روزمره آدم‌ها جایگاه ویژه‌ای می‌یابد و فیلم‌ها روی ویدیو به راحتی در دسترس هستند نمایش رادیویی دیگر خواهان آن چنانی ندارد.

یکی دیگر از عوامل موفقیت نمایش‌های رادیویی در روزگار قدیم نمایش‌نامه‌هایی بود که بزرگان این رشته می‌نوشتند و مردم را پای رادیویی کوچک ساکت می‌نشانند. در جهان نمایش‌نامه‌نویسانی چون اوژن یونسکو و ساموئل بکت چنین تجربه‌هایی دارند.

نمایش در رادیو سال ۱۹۲۴ میلادی در رادیوهای فرانسه و آلمان شکل گرفت و از آن‌جا به کشورهای دیگر دنیا رفت. رادیوهای فرانسوی و آلمانی در ابتدا با «آداپته» کردن نمایش‌های صحنه‌ای و یا رمان‌ها برای رادیو آماده پخش شدند، و سپس رادیو برای خود دارای نمایش‌نامه‌نویسان مشخص و منحصر به فردی شد.

باشند و هر کدام وظیفه مشخصی در پیشبرد نمایش داشته باشند؛ اما در رادیو اگر آدم‌ها بیش‌تر باشند به نفع کل داستان است.»

دیالوگ در نمایش رادیویی نقش بزرگی بازی می‌کند چرا که باید جای تصویر را هم پر کند: «باید توجه کرد که استفاده از دیالوگ در نمایش رادیویی به نحوی باشد که التزام داستانی داشته باشد، نه التزام پوشاندن یک نقص.»

آقاخانن همچنین استفاده از موسیقی را در هر یک از انواع درام شبیه به هم و مستلزم شناختن درام عنوان می‌کند.

### نمایش سنتی در رادیو

پس از گذشت سال‌های اولیه ورود رادیو به ایران کم‌کم برنامه‌سازی برای این رسانه آغاز شد و در رأس آن‌ها نمایش‌های رادیویی ساخته شدند. اما این نمایش‌ها در ابتدا بیش از آنکه به درام شبیه باشند به روایت شبیه بودند. برای همین قدیمی‌ترین و پرشنونده‌ترین نمایش رادیویی قصه شب نام دارد.

صدرالدین شجره، کارگردان و تنظیم‌کننده نمایش در رادیو، در این باره می‌گوید: «نمایش رادیویی در آن روزگار یک متن داستانی بود که توسط دو نفر گوینده خوانده می‌شد و این دو گوینده با کمی تغییر صدا جای تمام شخصیت‌های داستان صحبت می‌کردند.»

در سال‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ نمایش رادیویی با دعوت از تئاتری‌های روی صحنه بیش‌تر حال و هوای نمایش به خود می‌گیرد؛ تا این که برخی از اعضای شورای نویسندگان رادیو پس از آن که به رادیوهای غیرایرانی گوش می‌دهند و پس از آنکه سفری به ممالک خارجی می‌کنند با نمایش رادیویی سریالی آشنا می‌شوند و سنگ بنای اولین نمایش رادیویی سریالی گذاشته می‌شود: قصه شب.

به دنبال این نمایش‌ها کم‌کم نمایش‌های ترجمه شده هم جای خود را در رادیو باز می‌کنند. پس از گذشت چندی گروهی از تئاتری‌ها به رادیو می‌روند که یکی از آن‌ها بهزاد فراهانی است. نمایش‌نامه‌های فراهانی در محیط‌های روستایی می‌گذرند. و در شرایط سال‌های دهه ۴۰ که مردم تمایل بیش‌تری به شهرنشینی داشتند توانسته بود مخاطبان بسیاری را در ساعات‌های مختلف پای رادیو بنشاند. او روستا را یکی از منابع رشد ادبیات و حکمت ایرانی می‌داند: «من فکر می‌کنم یکی از نخستین نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی هستم که روستا را دراماتیک دیدم. و حکمت عامیانه روستاییان را وارد درام کردم، آن هم در سال‌هایی که روستا به سخره گرفته می‌شد.»

فراهانی یکی از نقاط شروع تئاتر ملی را رویکرد به حکمت عامیانه عنوان می‌کند. از سوی دیگر تجربیات او به عنوان تعزیه‌خوان و شناختی که از نمایش‌های ایرانی دیگر چون روحوضی دارد، در درام‌های رادیویی او تأثیر گذاشته است. برای مثال نمایش‌نامه‌ای به نام ما چه کشتیم دیگران بخورند نگاشته است که در سال‌های پیش از انقلاب در رادیو اجرا شده است. در آن نمایش فراهانی از تعزیه، روحوضی، پرده‌داری و بحر طویل استفاده کرده است. به عقیده او استفاده از پشتوانه‌های فرهنگی این‌چینی و همچنین استفاده از ادبیات کهن فارسی در ساختن نمایشی با آدم‌های باپشتوانه مفید است: «آدمی که روی صحنه تئاتر جهان سومی می‌رود باید شناسنامه روشن و کامل داشته باشد.»

فراهانی از روزگاری سخن می‌گوید که نمایش‌نامه‌نویسان و تئاتری‌ها ترجیح می‌دادند کارهای خود را برای رادیو بنویسند و اجرا کنند، چیزی برعکس امروز: «آن زمان کسی که به رادیو دست پیدا می‌کرد به قله هنر ایران دست پیدا کرده بود. تئاتر مخاطب چندانی نداشت و تلویزیون هم آن قدرها فراگیر نشده بود.» و در ادامه از نامه‌های مردم می‌گوید که آن سال‌ها برای نمایش‌های رادیویی می‌نوشته‌اند. غم‌انگیز این که تمام آنچه فراهانی و هم‌نسلانش برای رادیو نوشتند با سعی و خطا نگاشته شده بود و آموزش چندانی پشت آن‌ها وجود نداشت.

### رمان‌هایی که نمایش شدند

پس از چندی «ابراهیم مکی» به رادیو می‌رود و به دنبال او تعدادی از جوانان دانش‌آموخته تئاتر به رادیو می‌روند. ورود این افراد به رادیو سبب راه افتادن بحثی به نام تنظیم برای رادیو می‌شود. در این روزگار، که اوایل دهه ۵۰ شمسی است، مکی سرپرستی تنظیم ۳۰ رمان بزرگ دنیا را برای رادیو آغاز می‌کند. چند رمان این مجموعه توسط شجره برای اجرا در رادیو تنظیم شده بود: «تمام جنبه‌های توصیفی رمان را به اکسیون تبدیل می‌کردیم، تا داستان را به جوهره نمایش نزدیک کنیم. اگر پیش از آن شخصیت‌ها با صحبت‌های راوی شناسانه می‌شدند، ما باید با ترفندهایی بعد دراماتیک به آن می‌دادیم.»

این روند با رادیویی کردن آثار بزرگان نمایش‌نامه‌نویسی ایران چون اکبر رادی ادامه می‌یابد. با رفتن مکی از رادیو در سال ۱۳۵۵ نیز این روند ادامه پیدا می‌کند. اکنون نیز برنامه به نام از رمان تا نمایش در رادیو به صورت هفتگی پخش می‌شود که به رمان‌هایی اختصاص دارند که به درام رادیویی تبدیل شده‌اند.

### نمایش رادیویی نقد نمی‌شود

اگر از تئاتری‌ها بخواهیم که بیوگرافی خود را برای ما شرح دهند، یا اگر به کارهای گذشته آن‌ها در بروشور نمایش‌ها نگاه کنیم، کم‌تر کسی از آن‌ها یافت می‌شود که تجربه‌های رادیویی را هم برای شما برشمردند. همچنین کم‌تر روزنامه و مجله تئاتری هست که به نقد این نمایش‌ها بپردازد. در این میان تنها مجله رادیویی تئاتر که به صورت زنده و به مدت زمان ۴ ساعت از رادیو پخش می‌شود نیز به این نمایش‌ها نمی‌پردازد.

نادر برهانی مرند سردبیر جمعه‌ها با تئاتر که از شبکه فرهنگ پخش می‌شود، برنامه‌اش را یکی از معدود امکان‌های پرداختن به نمایش‌های روی صحنه می‌داند و می‌گوید «اگر رادیو بخواهد تمام تولیدات خود را نقد کند برایش زمان بر است، اما این موضوع باید از سوی باقی رسانه‌ها انجام شود.»

برهانی مرند در ادامه معضل نقد نشدن نمایش‌های رادیویی را اندکی به سیاست‌های سازمان صدا و سیما هم مرتبط می‌داند و می‌گوید: «حقیقت این است که مثل خود تئاتر هنوز ضرورت فرهنگی نمایش رادیویی برای مسئولان صدا و سیما جا نیافتاده است. برای ما سخت است که برنامه‌ای را به این امر اختصاص دهیم.» از سوی دیگر مطبوعاتی‌ها هم به نقد نمایش‌های رادیویی علاقه ندارند و بزرگ‌ترین مشکل در این راه را نبود امکان شنیدن این آثار و در دسترس نبودن آن‌ها به صورت کاست و یا کتاب عنوان می‌کنند.

### نمایش رادیویی چاپ نمی‌شود

از سال‌های اولیه ورود رادیو به ایران تا امروز حتا یک نمایش‌نامه رادیویی هم چاپ نشده است.

آقاخانن می‌گوید: «در چهارده‌ه‌ای که جشنواره تولیدات رادیویی برگزار شده است، من دوبار برنده جایزه نویسندگی شده‌ام و یک بار کاندیدا، اما انتشارات سروش (بنگاه انتشاراتی صدا و سیما) هیچ‌گاه این نمایش‌نامه‌ها را چاپ نکرده است. سراغ عزیزترین ناشری که می‌شناختم هم رفتم اما ایشان گفت که چنین کتابی خریدار ندارد، و به جای آن دو نمایش‌نامه صحنه‌ای مرا زیر چاپ دارد؛ در حالی که من قصد داشتم اثر برگزیده جشنواره را برای چاپ بدهم.»

برهانی مرند نیز به وظیفه سازمان صدا و سیما در زمینه چاپ و نشر این نمایش‌نامه‌ها تاکید می‌کند و می‌گوید که دانشجویان نمایش‌نامه‌نویسی و علاقه‌مندان به این رشته هیچ مرجعی برای شناخت این نمایش‌نامه‌ها ندارند. بهزاد فراهانی هم از چاپ نشدن کارهایش سخن می‌گوید و این نکته که قصد دارد برای چاپ آن‌ها به زودی اقدام کند.

نمایش رادیو کاست نمی‌شود

می‌دانستند و امروز ایجاز را زیبایی و اجبار همراه هم می‌دانند؛ یعنی یک ضرورت است. شتاب گرفتن ارسال پیام چه در درام باشد و چه در خبر، یک اتفاق سراسری است. اما این به معنای این نیست که برنامه‌های بلندمدت جایگاهی در رسانه‌ها ندارند.

برای یافتن پاسخ این پرسش که آیا ما در رادیو به سوی نمایش‌های کوتاه می‌رویم و آیا این نمایش‌ها در میان تماشاگران و مخاطبان ما اقبالی دارند یا نه، از مصاحبه شونده‌های این گزارش خواستیم که نظرشان را در این مورد بگویند:

میگابیل شهرستانی (کارگردان و بازیگر نمایش رادیویی): مردم امروز زمان ده جلدی نمی‌خوانند و نمایش سه ساعته هم تماشا نمی‌کنند. نمایش‌های کوتاه در رادیو یک ضرورت هستند اما نمایشی که در یک ربع ساعت اجرا شود نمی‌تواند حرف نمایشی را، که در ۵ قسمت پخش می‌شود بزند. همچنین در رادیو به خاطر عدم امکانات بصری طول نمایش رادیویی از نوع صحنه‌ای آن به مراتب بیشتر می‌شود. این ضرورت با نظر جامعه شناسان و روانشناس‌ها و با بدعت در بازی و کارگردانی و نویسندگی رادیویی باید روی دهد.

صدرالدین شجره (کارگردان، تنظیم کننده و بازیگر نمایش رادیویی): رادیو تهران زمانی شروع کرد به پخش نمایش‌های ۵ دقیقه‌ای اما این نمایش‌ها با اقبال مردم رو به رو نشدند، چون هنوز ماجرا شروع نشده تمام می‌شد. شاید امثال یونسکو و بکت هم این کار را بکنند اما اسم آن را نمی‌توان نمایش گذاشت.

نادر برهانی مرند (نمایشنامه نویس و سردبیر رادیو): در BBC منتهای نمایش‌های بلند مدت که در زمان‌های مشخص پخش می‌شوند باقی نمایش‌ها در زمان‌های ۵ دقیقه‌ای ساخته می‌شوند و بر خلاف آن چه ما در ایران فکر می‌کنیم این نمایش‌ها میان‌برده‌های خنک نیستند. ما در رادیو به سمت این نمایش‌ها رفته‌ایم و تا آنجا که مدیریت رادیو به ما اجازه دهد از این نمایشنامه‌ها استفاده می‌کنیم. و از یکی دو نفر از نویسندگان ما هم، که در کارهای کوتاه تبحر دارند، خواسته‌ایم که نمایش کوتاه بنویسند.

ایوب آقاخانی (نمایشنامه‌نویس رادیویی): الان در انگلستان نمایش‌ها کپسوله شده‌اند و به اتودهایی که ما در کلاس‌های نمایش‌نامه‌نویسی می‌زیم شبیه‌تر شده‌اند؛ اما چون بشر امروز همه چیز را کپسوله می‌خواهد ما هم ناچار هستیم که به این خواست مخاطب عمل کنیم؛ اما خود من نمایش‌های کوتاه نمی‌نویسم.

با این همه احوال نمایشنامه‌نویسان رادیو این روزها به آنچه مردم دوست دارند نزدیک‌تر شده‌اند و به گفته آقاخانی عمل‌های نمایش را زودتر به مخاطب ارائه می‌دهند: «پیش از این مدت‌ها طول می‌کشید که در یک نمایش رادیویی ما به عمل نمایشی برسیم اما مخاطب امروز طاقت این کار را ندارد.» شجره هم کار جوانان این رشته را نسبت به قبل اجتماعی‌تر خواند و به لحاظ مضامین نیز کارهای جدید را متنوع‌تر می‌داند. شهرستانی از انبوهی کار به عنوان عنصری که مانع عمق‌بخشی به نمایش‌نامه می‌شود یاد می‌کند و می‌گوید: «مضمون‌های تکراری و آدم‌هایی که در نمایش‌های مختلف تکرار می‌شوند. بازیگران و کارگردان‌ها را از شوق و ذوق کار می‌اندازد.»

درست یا غلط، شرایط بد معیشتی هنرمندان رادیو آن‌ها را از تامل بر آنچه می‌کنند باز داشته است. شاید با برطرف شدن این مشکلات و چاپ کتاب‌های تئوریک در زمینه نمایشنامه‌های رادیویی بتوان به دورانی بازگشت که مردم با دلی لرزان پای رادیو بنشینند و نمایشی بشنوند یا صداهای ماندگار. ♦

BBC به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رادیوهایی که به نمایش رادیویی می‌پردازد هر ساله تعداد زیادی از نمایش‌نامه‌های برتر خود را به صورت کاست وارد بازار می‌کند و از این آثار در حالی که مردم بارها آثار بزرگانی چون شکسپیر را خوانده‌اند و آن‌ها را از تلویزیون و بر صحنه‌های تئاتر دیده‌اند، باز هم مخاطب دارند.

برهانی مرند می‌گوید: «هرساله BBC سری کارهای شکسپیر را که در آن سال به صورت رادیویی اجرا شده است روی نوار و سی‌دی به بازار عرضه می‌کند.»

تنها نمایشنامه‌هایی که در ایران به صورت کاست منتشر می‌شوند نمایش‌های کودکان هستند که از میان آن‌ها می‌توان به شهریار کوچولو نوشته آنتوان دوست اگزوپری و با روایت احمد شاملو اشاره کرد.

نمایش امروز، زمانه امروز

امروز رادیو برنامه‌های نمایشی متعددی دارد و تعداد زیاد این برنامه‌ها از نظر دست اندرکاران رادیو به کیفیت آن‌ها لطمه زده است.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد هجوم رسانه‌های دیگر مخاطبان رادیو را هر روز کمتر از روز گذشته می‌کند. با یونسکو شکرخواه کارشناس رسانه‌ها در این زمینه گفتگویی انجام دادم که می‌خوانید:

- آیا فراگیر شدن رسانه‌هایی چون اینترنت و تلویزیون به تعداد مخاطبان رادیو لطمه زده است؟

○ استفاده از وسایل ارتباطی در گرو عادات ماست. امروز که کتاب‌های الکترونیکی به بازار آمده‌اند هنوز مردم کتاب‌های چاپی را هم می‌خرند. رادیوها هم به همین طریق با روی کار آمدن اینترنت و ماهواره مخاطبان خود را هنوز حفظ کرده‌اند. همچنین باید بدانیم که هیچ رسانه‌ای به تنهایی جواب‌گوی نیازهای مردم نیست.

- رادیوها هنوز در دنیا می‌توانند رسانه شماره یک مردم باشند؟

○ طبق یک تحقیق، در بحران ۱۱ سپتامبر آمریکا مهم‌ترین و قابل اعتمادترین رسانه مردم رادیو بود و تا مدت‌ها بعد از آن مخاطبان زیادی داشت. همین طور در بنگلادش و نپال که کشورهایی کوهستانی و فقیر هستند، رادیوها وظیفه اطلاع‌رسانی و سرگرم‌سازی مردم را به عهده دارند.

- نمایش‌های رادیویی هم به نظر شما هنوز می‌تواند از اقبال عمومی برخوردار شود؟

○ بسیاری از کسانی که تخیل را دوست دارند؛ نمایش رادیویی را هم دوست دارند. چرا که نیمی از اتفاق‌ها و شخصیت‌ها و صحنه‌ها در ذهن مخاطب بازسازی می‌شود.

- رسانه‌های دیگر که به درام می‌پردازند چه تاثیری بر درام رادیویی می‌گذارند؟

○ نویسنده درام رادیویی امروز باید اشباع شدگی مخاطب را در نظر بگیرد و بر بال کار رسانه‌های دیگر و صورت‌های نمایشی دیگر نوشته‌اش را بنا کند. نمایشنامه رادیویی امروز نمی‌تواند بدون توجه به قوه تصویری سایت‌ها و تلویزیون و سینما نوشته شود و این را هم باید اضافه کرد که با تاثیرپذیری از آن‌ها است که می‌تواند بقای خود را حفظ کند.

- یکی از تغییرات هنر در روزگار ما کم شدن حجم آثار هنری است. آیا این نسخه برای رادیو هم قابل پیچیدن هست؟

○ زمانی شوماخر گفته بود: Beautiful Small Is اما امروز می‌گویند: Small Is Dutiful معنی این جمله این است که در گذشته ایجاز را زیبایی